

اراده هر مزد در آفرینش

مریم رضایی*

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۹/۲۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۸/۳۰]

چکیده

مقاله حاضر به بیان عبارتی در متن پهلوی دینکرد چهارم می‌پردازد که به آن در دیگر متون پهلوی اشاره نشده است. مؤلف در این کتاب پهلوی، پس از مطرح کردن عقاید اصلی خویش درباره آفرینش در ادیان اسلام و زردشتی، عبارتی پهلوی را با عبارتی از نص صریح قرآن که همانا «کن فیکون» باشد، مقایسه کرده است. نگارنده بر آن است که با توجه به متأخر بودن این متون و تماس جامعه زردشتی با مسلمانان و کتاب آسمانی قرآن بسیار بعید می‌نماید که بازتاب اندیشه‌های قرآنی به متون بازمانده از این دوران راه نیافته باشد. در این مقاله پس از ذکر برخی مباحث مقدماتی، آفرینش در ادیان ابراهیمی و آیین زردشت را بررسی می‌کنیم و سپس جایگاه اراده خداوند در آفرینش را می‌کاویم.

کلیدواژه‌ها: آفرینش، کن فیکون، دینکرد چهارم، اراده خداوند، متون پهلوی.

مقدمه

آفرینش همواره از مقوله‌های اساسی و مهم ادیان است. از نخستین لحظاتی که بشر به دنیای خارج از خود نگریست، به این نکته اندیشیده و به اصل منشأ خویش آنچنان که باید پی نبرده است. نگاه پویا و پرسشگر به هستی و طبیعت، تلنگری است تا حقیقت جاودان را دریابیم. جهان آفرینش و نقش‌های بدیع و دلانگیز آن، به مثابه کتاب عظیمی است که هر واژه آن دلیلی روشن بر وجود آفریدگار جهان و بهترین و زیباترین آموزه خداشناسی و زبان گویای علم، قدرت و تدبیر الاهی است. در همه ادیان و مذاهب فصلی مفصل و زیبا به تکوین کائنات، آفرینش هستی و پیدایش موجودات اختصاص دارد و نقطه اشتراک همه آنها، نیروی لایزال خداوندی در آفرینش است؛ نیرویی که قادر است در هر لحظه چیزی را از نبود، بود سازد و بودی را نابود کند: «خدا آن کسی است که هفت آسمان را آفرید و مانند آن آسمان‌ها از (هفت طبقه) زمین خلق فرمود؛ امر او در بین آنها نازل می‌شود تا بدانید که خدا بر هر چیز توانا و به احاطه علمی بر همه امور آگاه است» (طلاق: ۱۲).

۱. آفرینش در دین اسلام و زردشتی

خلقت انسان و جهان در ادیان ابراهیمی، مانند اسلام، شرح و داستانی متفاوت با آفرینش در ادیان غیرابراهیمی، مانند زردشتی، دارد.^۱ اما گهگاه در اثر تلاقی اندیشه‌ها، رد و بدل‌هایی فرهنگی و دینی بین آنها دیده می‌شود. به این منظور، ابتدا عقاید اصلی راجع به آفرینش در دین ابراهیمی اسلام و دین غیرابراهیمی زردشتی را شرح می‌دهم و سپس به نکته‌ای اشاره می‌کنم که می‌توان آن را نشان از تأثیرپذیری دین زردشتی از اسلام دانست.

۱.۱. آفرینش در اسلام

بنا به روایت قرآن خلقت عالم در شش روز انجام گرفته است (اعراف: ۵۴؛ یونس: ۳؛ هود: ۷؛ فرقان: ۵۹؛ سجده: ۴؛ ق: ۳۸؛ حدید: ۴) و امر خلقت برای خداوند تکلفی ندارد، زیرا کافی است بگوید «باش»، هستی تحقق می‌یابد (آل‌عمران: ۴۷، ۵۹؛ انعام: ۷۳). در اسلام، قدرت، علم، اراده، درک، دریافت و به طور کلی صفات خداوند انتهایی ندارد. او عین قدرت، علم، اراده، درک و دریافت است؛ وجود مطلق و قادر یکتا خدا است و دیگر آفریدگان تابع محض او هستند (میرفخرایی، ۱۳۶۶: یازده).

در قرآن به دو گونه کاملاً متفاوت از آفرینش برمی‌خوریم: آفرینش نوع بشر به صورت دوره‌ای از رشد و دگرگونی کیفی، و دیگری آفرینش آسمان و زمین با تعبیر دگرگون کردن حالت آنها در کیهان، یعنی سامان‌بخشیدن به چیزهای از پیش بوده و به زیر فرمان درآوردن آنها که در مقایسه با آفرینش با سخن خدا نمایانگر گونه‌های کاملاً مختلفی از آفرینش و کاملاً مجزا هستند. آفرینش با کلام خداوند نمایشگر جنبه‌ای از آفرینش خداوند است (ماکینو، ۱۳۶۳: ۴۳-۴۹).

۱. ۲. آفرینش در دین زردشتی

در دین زردشتی، اصول پیدایش جهان با مسائل مذهبی رابطه نزدیک دارد و آفرینش پدیده‌های مادی متأثر از جهان‌بینی خاص این کیش باستانی است. قلمرو خوبی و بدی، روشنایی و تاریکی، و راستی و دروغ به وسیله دو نیروی مینوی رهبری می‌شود. هرمزد یا سپندمینو، مینوی خوبی، روشنایی و راستی، آفریدگار یگانه آفریده‌های نیک و مفید، و در سوی دیگر، اهریمن یا آنگره‌مینو، مینوی بدی، تاریکی و دروغ و آفریدگار همه بدی‌ها و مخلوقات زیانبار است (میرفخرایی، ۱۳۶۶: ۱):

در آغاز هرمزد بود و اهریمن، یکی در روشنایی لایتناهی بر فراز، و دیگری در تاریکی بی‌پایان، در فرود. هرمزد دارنده علم مطلق، از بودن اهریمن و آمیختگی دو آفرینش و نبرد آینده آگاهی داشت. پس آفرینش را، که ابزار جدایی فرجامین است، به مینویی آفرید. سه هزار سال از آفرینش مینویی هرمزد گذشت که تازش اهریمن سرگرفت. در آغاز تازش، اهریمن دیوان را ساخت و به جهان روشنان برتاخت. هرمزد زمان کارزار را به نه هزار سال پیمان نهاد و با سرودن /هونور او را باز به تاریکی مدهوش افکند، به سه هزار سال. راندن اهریمن جز به روایی آفرینش نشود و آفرینش جز به زمان رواج نیابد و با خلق زمان، ناگزیر هر دو آفرینش پدید می‌آیند: آفریدگان هرمزد و آفریدگان اهریمن. پس هرمزد زمان بیکران را کرانمندی بخشید و تن آفریدگان خویش را از روشنایی پدید آورد. اهریمن، به مقابله، تن خاکستری تباه آفریدگان خویش را ساخت و در برابر هر آفریده نیک هرمزد، به خلقی زشت و پلید دست یازید. هرمزد جهان را از قوه به فعل درآورد و به بهری از آفرینش مینویی خویش صورت مادی و گیتی داد (بهار، ۱۳۸۱: ۳۱؛ همو، ۱۳۸۰: ۳۳).

بنا بر متن پهلوی بندهشن، اورمزد آفرینش را به یک سال آفرید، به سالی که ۳۶۵ روز است: آسمان را به ۴۰ روز، آب را به ۵۵ روز، زمین را به ۷۰ روز، گیاه را به ۲۵ روز، گوسفند را ۷۵ روز و مردم را به ۷۰ روز (همان: ۴۱). در متن پهلوی دیگر موسوم به *گزیاه‌های زادسپرم* نیز چنین آمده است که اورمزد آفرینش را تن‌دار (دارای تن، مادی) در گیتی آفرید. نخست آسمان، دوم آب، سوم زمین، چهارم گیاه و پنجم گوسپند، ششم مردم و آتش در همه پراکنده بود. همه به شش سرشت که گفته‌اند: درنگ (= توقف) در آفرینش هر سرشت چندان بود که مژده‌ای بر یکدیگر فرو نهند (= زمان آفرینش هر یک از این سرشت به اندازه یک چشم بر هم زدن بود) (راشد محصل، ۱۳۹۰: ۳۵). در فصل ۴۶ کتاب *روایت پهلوی آمده است*: «و همه آفریدگان و آفرینش را از آن ساخت؛ و زمانی که آنها را ساخت، پس به تن برد و سه هزار سال در تن نگاه داشت و همی افزایشید و بهتر همی کرد و سپس یک‌یک را از تن خویش بیافرید». این فصل از *روایات پهلوی* به سبب وجود این نکته که اورمزد جهان را از یک تن آفرید منحصر به فرد است (میرفخرایی، ۱۳۹۰: ۴۶۶).

۲. اراده خداوند در آفرینش

دو واژه «کُن» و «یکون» در دستور تکوینی قرآنی «باش و شد» (یا: «باش، پس شد») هماهنگ آمده و عین عبارت «کن فیکون» را در امر خلقت آورده است. در آیین زردشتی نیز شهبازی و قدرت هرمزدی است که در امر آفرینش نقش بازی می‌کند. در متون زردشتی هنگام اشاره به امر آفرینش، از افعال زیر استفاده شده است:

1. āfrīdan

pas ohrmazd tis-iz ī abē-sūd nē āfrīd.

پس هرمزد هیچ چیز را بی‌سود نیافرید (نک: بهار، ۱۳۸۰: ۱۰۳؛ پاک‌زاد، ۱۳۸۴: ۲۸۳).

2. dādan

guft-iš ohrmazd ō spitāmān zarduxšt kū: “ān draxt ē bun kē tō dīd <ān gētīg ast ī man ohrmazd dād>.

اورمزد به زردشت سپیتمان گفت که: «آن درخت یک‌ریشه‌ای که دیدی، آن جهان است که من اورمزد آفریدم» (راشد محصل، ۱۳۷۰: ۴۹).

۳. frāz dādan

mardīd dād hēd pid ī pid ī harwisp ī axw ī astōmand ud ēdōn ašmā mard ma
dēwān yazēd čē-m bowandag-menišnīh dārišn ō ašmā pahlom frāz dād.

مردم آفریده شدید پدر پدر همه هستی مادی، و ایدون شما مردم، دیوان را مستتاید
زیرا من داشتن اندیشه درست را در شما به کمال آفریدم (همو، ۱۳۸۹: ۱۱).

۴. brēhēnīdan

pad zamānag sar, ohrmazd nigerīd kū: “čē sūd ast ī az dādan ī dām ka a-
čandišnīg, a-rawišnīg, a-wazišnīg.u-š pad ayārīh ī spīhr ud zurwān dām frāz
brēhēnīd.”

در سر زمان (= پایان وقت) اورمزد نگریست که: «چه سود است از آفریدن
مخلوق اگر بی چندیش (= بی تکان، بی حرکت)، بی رفتار، < و > بی جنبش >
باشد»؛ و پس به یاری سپهر و زروان آفرینش را <فراز رفتار (= متحرک)>
آفرید (همو، ۱۳۹۰: ۱۶۶).

۵. frāz brēhēnīdan

pad-iz bundahišn ka ohrmazd ēn šaš amahārspand frāz brēhēnīd xwad-iz abāg
awēšān ān ī pāhloom haftom.

در آغاز آفرینش، چون هرمزد این شش امشاسپند را فراز آفرید، خود نیز، با
ایشان، آن برترین و هفتمین بود (بهار، ۱۳۸۰: ۱۱۱؛ پاکزاد، ۱۳۸۴: ۳۰۰).

۶. tāšīdan

pursīd dānāg ō mēnōg ī xrad kū ohrmazd ēn dām ud dahišn čiyōn ud pad čē
ēwēnag dād. uš amahspandān ud mēnōg ī xrad čiyōn ud pad čē ēwēnag tāšīd
ud dād.

پرسید دانا از مینوی خرد که اورمزد این آفریدگان را چه گونه و به چه آیین
آفرید؟ و امشاسپندان و مینوی خرد را چه گونه و به چه آیین ساخت و آفرید؟
(تفضلی، ۱۳۹۱: ۳۱).

در اینجا به بخشی از کتاب (فصل) چهارم دینکرد می‌پردازیم که تاکنون به آن توجه
نشده است. اثر بزرگ دینکرد که مشتمل بر نه کتاب بوده و در قرن نهم میلادی تألیف

شده، از لحاظ دربرداشتن مطالب گوناگون به درستی «دانش‌نامه‌ی مزدیسنی» نامیده شده است. نام دو تن از مؤلفان این اثر در کتاب آمده است: آذر فرنبغ فرخزادان که این کتاب را از پراکندگی پس از برافتادن سلسله‌ی ساسانی رهایی بخشید؛ و آذرباد امیدان که مجدداً مطالب پراکنده‌ی کتاب را گرد آورد و آن را دینکرد هزارفصل نامید. تحت تأثیر اندیشه‌ی غالب اسلامی در آن دوران، در این کتاب شاهد به‌کاربردن لفظی متفاوت برای اشاره به اراده هر مزد در امر آفرینش هستیم. مؤلف بخش 421,2 M4 از قدرت بینایی چشم‌ها گفته است که با گذشت زمان و با دیدن چیزها دانایی بیکران ایجاد می‌کند و پس از اشاره به جوهره‌ی اصلی آفریدگان و نیز ارتباط همه‌ی آفرینش با آفریدگار خود، همانند ارتباط شفق با نور، با به‌کاربردن واژه‌ی *guft* «گفت» جمله را کامل کرده است:

pad-išān ēwēnag ī bun gōhr tōhmag, ī ōwōn čiyōn čašmān wēnāg nērōgīh, ī bē-iz hangāmānīh winišnīg čiš dānāgīh-iz akanāragīh zamānīhā, pad ham nērōg, hammis dahišn u-š dāyag pad paywand, čiyōn bām az frōg abāz kard šāyistan-iz, xwābar dādār pad xwēš nerōg hamgōnag guft.²

به آیین آنها که جوهره‌ی اصلی تخمه‌ی (آفریدگان)، که همچون نیروی بینایی چشم‌ها (است)، که به هنگام دیدن چیزها نیز دانایی بیکران (با گذشت) زمان (ایجاد می‌کند)، با همین نیرو، همه‌ی آفرینش و خالق آن (با هم) پیوند دارند، همچون نور که از روشنی شایسته است به وجود آید، مهربان دادار به نیروی خویش به همین‌گونه گفت.³

کاربرد واژه‌ی «گفت» (*guft*) در این شاهد برای بیان اراده خداوند در آفرینش می‌تواند بازتاب اندیشه‌ای قرآنی باشد که اشاره به برابری کلام و اراده‌ی خداوند دارد: «انما امره اذا اراد شيئاً ان يقول له كُنْ فَيَكُونُ» (یس: ۸۲). اراده صفتی است که برای موجود زنده حالتی پدید می‌آورد که فعلی خاص از او سر زُند (جرجانی، ۱۹۸۳: ۱۶). غرض از آیه فوق، وصف شأن الاهی در هنگام اراده خلقت است، نه اینکه مراد آن باشد که خدای متعال هنگام خلق چیزی این کلام را بگوید. خواست و اراده خدا، ایجاد خدا است و لاغیر که بدون قصد و فکر و لفظ بر هست شدن چیزی قرار می‌گیرد (کُن) و آن چیز بی‌درنگ لباس هستی می‌پوشد (فیکون). این خواست بر اساس دانایی است؛ در حقیقت، خدا دانست، خواست، اراده کرد، اندازه گرفت، فرمان داد و اجرا کرد (طباطبایی، ۱۳۶۴، یس: ۸۲ شریعتی، بی‌تا: ۲/۱۷۱؛ قرشی، ۱۳۷۱: ۳/۱۴۷).

در اندیشه زردشتی نیز خرد نقش اصلی و محوری دارد و با وجود هرمزد یکی انگاشته شده است. کل آفرینش مینوی و گیتی، از آغاز تا پایان با خرد و اراده هرمزد، رهبری می‌شود: «زیرا که گیتی را به (نیروی) خرد می‌توان اداره کرد و مینو را هم به نیروی خرد می‌توان از آن خود کرد» (مینوی خرد، مقدمه: ۴۷-۴۸). در واقع، هرمزد با همه آگاهی و اندیشیدن، به همه چیز هستی بخشیده است. در ادبیات زردشتی به دو نوع خرد اشاره شده است: خرد ذاتی (آسن خرد) و خرد آموخته. واژه پهلوی āsn-xrad (از اوستایی ā-sna xratav-)، «خرد ذاتی»، از ریشه zan- «زادن». «آسن خرد» (= خرد غریزی) در برابر «گوشان سرود خرد» که خرد آموخته است، همان خردی است که از نخستین دم آفرینش با اورمزد بوده است: «مینوی خرد پاسخ داد که به این علت که از نخست من که خرد غریزی هستم از مینوها و گیتی‌ها با اورمزد بودم و آفریدگار اورمزد ایزدان آفریده در مینو و گیتی و دیگر آفریدگان را به نیرو و قدرت و دانایی و کاردانی آسن خرد (= خرد غریزی) آفرید و خلق کرد و نگاه می‌دارد و اداره می‌کند؛ و نیز «و استقرار زمین و آمیزش آب در زمین و رویش و نمو گیاهان و رنگ‌های گونه‌گون و بوی و مزه و خوشی هر چیزی بیشتر به خرد مقدر و ساخته شده است» (بهار، ۱۳۸۱: ۹۶؛ مینوی خرد، ۵۶: ۱-۱۲). یکی بودن اندیشه و اراده هرمزد، آفریده‌شدن آن چیز که در اندیشه او است و هست شدن آن چیز که بر خاطر او بگذرد، درون‌مایه بینش زردشتی است. به روایت بندهشن: «هرمزد آن چیز را نیندیشد که آن را نتواند کرد، اهریمن آن را که نتواند کرد اندیشد، تهدید نیز فراز برد» (همو، ۱۳۸۰: ۳۸). او است که آفرینش را به خرد، اراده و اندیشه خود آفریده و اداره می‌کند.

متن‌های فارسی میانه زردشتی در دوره اسلامی و عمدتاً در سده سوم هجری قمری نوشته یا بازنویسی شده‌اند. با توجه به اینکه در پایان دوره سلطنت ساسانیان، اصول شریعت دین زردشتی به واسطه عقاید زروان‌پرستی و اساطیر مربوط به آن دچار تزلزل شده بود و هنگام ورود اسلام زمینه انحطاط کامل آن مهیا بود، روحانیان زردشتی دریافتند که برای حفظ دیانت خود باید آیین مزدیسنی را بدون رنگ و بوی زروان‌پرستی سرلوحه خویش قرار دهند. در آن زمان میان زردشتیان با جامعه غالب مسلمانان مواجهه‌هایی وجود داشته است. بنابراین، بسیار دور می‌نماید که در این متن‌ها رد پای از بینش اسلام وجود نداشته باشد.

نتیجه

شریعت زردشتی در نخستین قرون تسلط اعراب بر ایران تا حدی اصلاح شده و تغییر پیدا کرده است و زردشتیان خود مایل بوده‌اند بعضی افسانه‌ها و اساطیر عامی و بعضی از اعتقاداتی را که در فصول اوستا ثبت شده بود، حذف کنند. آنها در پاسخ به مقتضیات زمان و به منظور تطبیق با روح زمانه با حضور در مناظرات مذهبی در دربار خلفا و تلاش در توحیدی نمایاندن دین زرتشتی، زدودن اندیشه‌های زروانی و پیرایه‌های آیینی از آن دین، عمومی کردن استفاده از اوستا در مقام کتاب آسمانی زرتشتیان و تحریک و همراهی مسلمانان در مبارزه با مانویان و مبدعان مذهبی، راه سازش با مسلمانان را در پیش گرفتند. در این زمان، تحت تأثیر محیط اسلامی، در روایات مربوط به موضوع آفرینش زردشتی نیز شاهد تعدیل هستیم. شاهد مهم آن کاربرد فعل «گفت» (*guft*) در این بخش از متن دینکرد چهارم است که می‌تواند آشکارا به عبارت قرآنی «کن فیکون» اشاره داشته باشد؛ همان عبارتی که جهان آفرینش را مخلوق اراده خالق بی‌همتای هستی می‌داند؛ چنان‌که اراده انجام کاری کند، صرفاً می‌گوید باش، پس موجود می‌شود (کن فیکون). اما در نهایت جریان اصلی دین زردشتی همان است که در متون سنتی این دین آمده است و در متن دینکرد نیز شاهد ادامه همان سنت کهن هستیم، جز به کاربردن فعلی دیگر برای آفرینش که در دیگر متون نیامده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. درباره آفرینش انسان و جهان با کلام ایزدی در ادبیات مانوی، یهودی و مسیحی، نک: شگری فومشی، محمد، «آفرینش جهان با کلام ایزدی: رهیافتی متن‌شناسانه به انگاره‌های قرآنی بر اساس برخی مدارک یهودی، مسیحی و مانوی»، در: *مطالعات تطبیقی قرآن کریم و متون مقدس*، س ۱، ش ۱ (زیر چاپ).

2. S, T, D, B → ۴۳۳ (Sanjana, 1900; Dressden, 1966; Madan, 1911)

۳. مراد از «گفت» در این عبارت بیان کلامی از جانب هرمزد در امر بر آفرینش نیست، بلکه منظور همان اراده هرمزد است که هر آنچه در اندیشه او بگذرد، جامه هستی می‌پوشد (بهار، ۱۳۸۰: ۳۸).

منابع

قرآن کریم.

بهار، مهرداد (۱۳۸۰). *بندهشن*، تهران: توس.

- بهار، مهرداد (۱۳۸۱). *پژوهشی در اساطیر ایران*، تهران: آگه.
- پاک‌زاد، فضل‌الله (۱۳۸۴). *بندهشن*، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- تفضلی، احمد (۱۳۹۱). *مینوی خرد*، تهران: توس.
- جرجانی، الشریف علی بن محمد (۱۹۸۳). *التعريفات*، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- راشد محصل، محمدتقی (۱۳۷۰). *زند بهمن یسن*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- راشد محصل، محمدتقی (۱۳۸۹). *دینکرد هفتم*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- راشد محصل، محمدتقی (۱۳۹۰). *گزیده‌های زادسپرم*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- شریعتی، محمدتقی (بی تا). *تفسیر نوین (قسمت دوم از جزء سی ام)*، تهران: مرکز نشر فرهنگ اسلامی، ج ۲.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۴). *المیزان فی تفسیر قرآن*، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، تهران: محمدی، ج ۳۳-۳۴.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*، تهران: فردوسی، ج ۳.
- گنجینه دست‌نویس‌های پهلوی و پژوهش‌های ایرانی، دست‌نویس ت ۶۵ الف کتاب چهارم و پنجم دینکرد با زیرنویس فارسی (۱۳۵۵). به کوشش: ماهیار نوایی، کیخسرو جاماسب آسا، همکاری فنی: محمود طاووسی، شیراز: دانشگاه شیراز.
- گنجینه دست‌نویس‌های پهلوی و پژوهش‌های ایرانی، دست‌نویس د ۱۰ الف دینکرد (۱۳۵۵). به کوشش: ماهیار نوایی، کیخسرو جاماسب آسا و همکاری فنی بهرام فره‌وشی، محمود طاووسی، شیراز: دانشگاه شیراز.
- ماکینو، شینیا (۱۳۶۳). *آفرینش و رستاخیز*، ترجمه: جلیل دوست‌خواه، تهران: امیرکبیر.
- میرفخرایی، مهشید (۱۳۶۶). *آفرینش در ادیان*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- میرفخرایی، مهشید (۱۳۹۰). *روایات پهلوی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

Dressden, M. J. (1966). *Denkart*, Wiesbaden.

Madan, D. M. (1911). *The Complete Text of the Pahlavi Dinkard*, part I, Books III-V, Bombay.

Sanjana, Peshotan Dastur Behramjee (1900). *The Original Pahlavi Text; The Same Transliterated in Avesta Characters; Translations of the Text in the Gujarati and English Languages; A Commentary and a Glossary of Select Terms*, vol. IX.